

وارد پرونده‌های عجیب می‌شود که درباره زن‌ها و دخترانی است که قصد خودکشی داشته‌اند. پسری جوان و مجهول الهویه به نام «زمان» آن‌ها را نجات می‌دهد و گفته می‌شود با تزریق دارویی قصد دارد آن‌ها را از کشور خارج کند. این بخش از داستان تأثیرگذار است و تماشاگر را کنجکاو می‌کند تا ادامه آن را دنبال کند. این خط روایی به تخیل نزدیک است و شباهت‌هایی با هزار و یک شب دارد. حتی شخصیت‌هایی مانند مدیر و دخترانش نیز به نوعی مابه‌ازای شخصیت‌های اصلی هزار و یک شب به نظر می‌رسند.

○ عملکرد مصطفی کیایی در این سریال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر می‌رسد مصطفی کیایی در این سریال نسبت به فیلم‌ها و سریال قبلی خود پخته‌تر عمل کرده است. در این چند قسمت، داستان به خوبی پیش رفته است. هرچند در برخی بخش‌ها کندی ریتم دیده می‌شود، اما اگر به صورت کلی نگاه کنیم، پیشرفت اثر کاملاً مشهود است.

○ شخصیت پردازی سریال چه نقاط قوتی دارد؟

شخصیت‌پردازی یکی از نقاط قوت فیلمنامه است. نمونه‌های موفق آن را می‌توان در شخصیت سمیر تژنگی به‌عنوان شخصیت اصلی و همچنین چند شخصیت فرعی مانند دکتری که نقش آن را هدیه تهرانی بازی می‌کند و شخصیت «نبی» بازی محمد بحرانی مشاهده کرد. این شخصیت‌ها به خوبی شکل گرفته‌اند. در فیلمنامه، نقاط عطف در پایان هر قسمت به گونه‌ای طراحی شده‌اند که تماشاگر را منتظر قسمت بعدی نگه می‌دارند؛ مشابه آنچه در سریال‌های استاندارد غیرایرانی می‌بینیم. این ویژگی از نقاط قوت سریال به شمار می‌آید.

○ ارزیابی شما از انتخاب بازیگران چیست؟

به نظر می‌رسد مصطفی کیایی در انتخاب بازیگران اصلی دقت کرده است. بازیگرانی انتخاب شده‌اند که با نقش‌هایشان هماهنگ هستند. پرویز پرستویی در نقش سمیر عملکرد بسیار خوبی دارد. هدیه تهرانی پس از مدتی دوباره مقابل دوربین ظاهر شده و سکانس دونه‌های با پرستویی در اصطبل سمیر تژنگی دارد که قابل توجه است. از دیگر بازیگران می‌توان به محمد بحرانی و سحر دولتشاهی اشاره کرد که در قسمت اول حضور قابل قبولی دارند. در مجموع، سریال «هزار و یک شب» از نظر انتخاب بازیگر کستینگ مناسبی دارد و می‌توان به آینده این سریال امیدوار بود.

محمد مرشدلو

منتقد سینما:

هزار و یک شب؛ معلق میان جهان واقع و خیال

○ سریال «هزار و یک شب» تا چه اندازه توانسته از ظرفیت‌های روایی قصه‌های کلاسیک الهام بگیرد و آن‌ها را در قالبی امروزی بازآفرینی کند؟ آیا با یک اقتباس خلاقانه مواجه‌ایم یا صرفاً بهره‌برداری اسمی از یک عنوان آشنا؟

تا اینجای سریال، ما با یک داستان کم‌وبیش متفاوت و فرم روایی جدید مواجه‌ایم؛ داستانی که روایت‌گر رفت‌وآمد میان جهان‌های موازی است: جهانی واقعی و جهانی ذهنی و خیالی. تا به این جای سریال هنوز نحوه تأثیر این دو جهان در یکدیگر برای مخاطب روشن نیست و دقیقاً نمی‌دانیم در نهایت رستگاری یا شکست شخصیت‌های سریال در هر کدام از این دو جهان قرار است چه تأثیر متقابلی بر این دو عالم بگذارد. از این جهت می‌توان گفت سریال مسیری را طی می‌کند که نسبتش با دنیای هزار و یک شب بیش از قرض گرفتن چند نام نیست و باید در ادامه دید که سریال قرار است چگونه پیوند میان آن دنیای پر از راز و رمز هزار و یک شب و روایتی را که در این سریال می‌بینیم برقرار کند.

اما اینکه تا چه اندازه توانسته از

محمد جلیلود

منتقد سینما:

«هزار و یک شب» در مسیر یک اقتباس امیدوارکننده

○ چرا داستان‌های قدیمی و ادبیات فولکلور همیشه منبع خوبی برای هنرهای نمایشی بوده‌اند؟

داستان‌های قدیمی و ادبیات فولکلور همواره منبع مناسبی برای هنرهای نمایشی مانند سینما، تلویزیون و تئاتر بوده‌اند، زیرا متکی به قصه هستند. این ادبیات کهن، داستان‌های جذابی دارند و به‌ویژه روایت‌هایی در آن‌ها وجود دارد که بسیار بر تخیل استوار است. مهم‌ترین نمونه آن کتاب هزار و یک شب و داستان شهرزاد قصه‌گو است.

هنگامی که مخاطب این کتاب را می‌خواند، تصاویری در ذهنش شکل می‌گیرد و می‌تواند آن‌ها را تصور کند. از این منظر، این مجموعه ظرفیت بالایی برای روایت تصویری دارد، به‌خصوص در قالب سریال؛ زیرا سریال زمان گسترده‌ای در اختیار فیلمنامه‌نویس قرار می‌دهد تا بتواند داستان‌های مختلفی را در دل یک روایت اصلی بگنجانند و خرده‌روایت‌هایی را در کنار خط اصلی داستان پیش ببرد.

○ سریال «هزار و یک شب» چگونه از این ظرفیت استفاده کرده است؟

مجموعه «هزار و یک شب»؛ نمونه خوبی در این زمینه است؛ اقتباسی آزاد و امروزی از هزار و یک شب مشهور. در چند قسمتی که از آن پخش شده، قسمت اول به معرفی چند شخصیت اصلی مانند مدیر، سمیر تژنگی، نیلوفر و آشیان می‌پردازد و بر ورشکستگی مدیر و چاپخانه‌اش تمرکز دارد. در همین قسمت، شخصیتی خاکستری به نام سمیر وارد داستان می‌شود. این دو شخصیت گذشته‌ای مشترک دارند که در آن، داستان فرعی جذابی شکل گرفته است. آن گذشته در زمان حال تأثیر خود را بر دیگران می‌گذارد. در گذشته، میان مسعود مدیر، سمیر تژنگی و دختری جوان، مثلثی عاطفی وجود داشته است؛ دختری که در نهایت به عقد مدیر درآمده است. سمیر همچنان احساس می‌کند در حق او ظلم شده و اکنون به واسطه شباهت چهره نیلوفر به مادرش، می‌خواهد او را به عقد خود درآورد. این خط داستانی در قسمت‌های بعدی گسترش پیدا می‌کند و به خط اصلی روایت تبدیل می‌شود.

○ خط داستانی موازی سریال چه ویژگی‌ای دارد؟

در کنار این روایت، داستان دیگری نیز به‌صورت موازی پیش می‌رود. آشیان به‌عنوان خبرنگار سرویس اجتماعی



«هزار و یک شب»؛ زیر ذره‌بین نقد روزنامه صبا

روایتی که به بلوغ نرسید

زهرا طاهریان

میز نقد



سریال هزار و یک شب به کارگردانی مصطفی کیایی و بازی پرویز پرستویی، بهرام رادان، سحر دولتشاهی و هدیه تهرانی که تاکنون حدود ۱۳

قسمت از آن در پلتفرم فیلمو منتشر شده، از جمله آثار شاخص و پرحاشیه شبکه نمایش خانگی در فصل جاری به شمار می‌رود. این سریال با اقتباس آزاد از داستان‌های کلاسیک و قصه‌های کهن، تلاش می‌کند دنیایی میان واقعیت و خیال بسازد و با روایت موازی شخصیت‌ها، کشمکش‌های عاطفی و فانتزی و جالب‌های خانوادگی، تجربه‌ای متفاوت از سریال‌های ایرانی به مخاطب ارائه دهد. در همین حال، بخشی از جذابیت اثر به حضور بازیگران شاخص و شناخته‌شده‌ای مانند پرستویی، رادان، تهرانی و دولتشاهی برمی‌گردد که هر یک در نقش‌های خود تلاش می‌کنند همزمان با روایت فانتزی، حس واقعیت را نیز منتقل کنند.

سه منتقد سینما، محمد جلیلود، محمد مرشدلو و پریسا ساسانی، همزمان با پخش سریال، در میز نقد روزنامه صبا، با بررسی عناصر مختلف اثر، از جمله ساختار اقتباس، شخصیت‌پردازی، کیفیت بازی‌ها و ریتم روایت، تصویری چندوجهی از نقاط قوت و ضعف سریال ارائه کرده‌اند. از چگونگی تلفیق دنیای واقعی و خیالی گرفته تا نحوه شکل‌گیری خطوط داستانی موازی و همچنین تأثیر بازی بازیگران اصلی در القای حس حضور در یک جهان پیچیده و پررمز و راز. این نگاه تحلیلی منتقدان نشان می‌دهد که سریال هم توانسته برخی ظرفیت‌های جذاب ادبیات کهن را بازآفرینی کند و هم با نقاط ضعف و گره‌های بازنشده‌ای مواجه است که مخاطب را به چالش می‌کشد. ترکیب قصه‌ای فانتزی با بازنمایی بخشی از روابط انسانی و اجتماعی، استفاده از بازیگران شاخص و تلاش برای روایت چندخطه، تجربه‌ای نوآورانه در شبکه نمایش خانگی به وجود آورده است، اما همزمان سؤالاتی درباره انسجام روایت، توسعه شخصیت‌ها و گره‌افکنی داستانی باقی می‌گذارد. این مجموعه، به رغم نقاط ضعف، همچنان یکی از بحث‌برانگیزترین و مورد توجه‌ترین آثار حال حاضر شبکه نمایش خانگی ایران است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان فصل پخش، نقدها و بحث‌ها درباره آن ادامه یابد.

